

علل پیشرفت و انحطاط مسلمین؟!

۴۱

انگیزه های ختلاف و راه خلاصی از آنها؟

۱- عدم شناخت واقعیت

بی شک از عوامل مهم پیدایش و بقای مذاهب و فرقه‌های گوناگون در طول تاریخ ناآگاهی بنیان‌گذاران و پیروان آنها از واقعیات است چه آنکه اگر حقایق پوست کنده و روشن درک می‌شد و به دیگران تفهیم می‌گردید، از آنجا که راه راست در شرایط زمانی و مکانی واحدی است جز افراد معاند و بد نیت همان یک‌اه و طریق واحد (مذهب خاص) رامی‌پیمودند و طبعاً این همه مذاهب مختلف و جنگ و جدالهائی که از این رهگذر پدید آمده و می‌آید از بین می‌رفت.

اینکه می‌بینیم طبق روایت معروف بعد

در شماره پیش دورنمایی از آثار شوم و

نکبت‌بار فرقه‌گرایی و دسته بندی مسلمین را در طول تاریخ که از عوامل مهم عقب ماندگی آنها گردیده مورد بررسی قرار دادیم و اینک انگیزه‌هائی که موجب این تفرق شده و راه خلاصی از آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم

علل این تحزب

درباره این دسته بندی و فرقه‌گرایی مسلمین مانند همه فرقه‌های مذهبی سیاسی جهان که بوجود آمده‌اند دو عامل اساسی بیش از همه موثر است.

مکتب اسلام

آنها روشن است و باطل را بخوبی می‌شناسند ولی بخاطر هواپرستی و حب مقام بجای آنکه در راه حق گام بردارند، ره باطل می‌پیمایند.

روی این حساب، یکی از عوامل مهم پیدایش فرقه‌ها و مذاهب گونه‌گون اسلامی این است که افرادی خودخواه و جاه‌طلب و هواپرست برای آنکه موقعیتی کسب کنند و روح جاه طلبی خود را ارضاء نمایند حق و باطل را درهم آمیخته مکتب و مذهب خاصی بوجود می‌آورند آنگاه مردمی ساده‌دل و از همه جا بی‌خبر و یا سودجو و مغرض نیز، از آنها پیروی کرده و عامل بقاء آن مذهب می‌شوند علی‌علیه السلام در خطبه ۵ نهج البلاغه این حقیقت را در یک سطح وسیع‌تری چنین بیان می‌فرمایند:

"همواره منشاء پیدایش فتنه‌ها پیروی بی حساب از خواهشهای نفس و احکام صادره برخلاف کتاب خداست که در نتیجه گروهی ساده‌دل از گروهی مغرض پیروی می‌کنند (و به راه باطل می‌روند) پس اگر باطل با حق آمیخته نمی‌شد، راه حق بر طالبان آن، پوشیده نمی‌گردید و اگر حق در میان باطل پنهان نمی‌شد، زبان دشمنان از آن کوتاه می‌گردید، اما قسمتی از حق و قسمتی از باطل را باهم درآمیختند، اینجاست که شیطان بردوستانش تسلط پیدا

از حضرت موسی (ع) پیروانش به هفتاد و یک فرقه و بعد از حضرت عیسی (ع) پیروانش به هفتاد و دو فرقه و بعد از حضرت محمد (ص) پیروانش به هفتاد و سه فرقه تقسیم شدند و هم‌اکنون صد و هفتاد مکتب فلسفی و سیاسی و اجتماعی و غیره در جهان وجود دارد، عامل مهم آن، همان نرسیدن به حق و طریقه درست بوده و هست که خواجه شیراز در همین زمینه سروده است:

"جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه

چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند!
و برای آنکه مسلمین از این بلیه در امان باشند و واقعیت را چنانکه هست دریابند، اسلام عقل و استدلال را تنها مرجع و حاکم، در مسائل اعتقادی قرار داده تقلید و تعبد را در این نوع مسائل بکلی محکوم کرده است از چیزی که درباره آن، علم و یقین نداری، پیروی مکن، زیرا گوش و چشم و دل همه اینها مسئولند" ۱
هنگامیکه به آنها گفته می‌شود "از آنچه خدا مقرر فرموده پیروی نمائید می‌گویند ما فقط از آنچه که از پدرانمان دریافته ایم پیروی می‌کنیم، اگر چه پدرانمان هیچ نفهمند و راه بجائی نبرند" ۲!

۲- خودخواهی و هواپرستی

بسیاری از مردمندها آنکه حقیقت برای

۱- وَلَا تَتَّبِعْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (اسراء آیه ۳۶)
۲- وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَائَنَا أَوَّلُ كُنَّا آبَائِهِمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (بقره آیه ۱۷۰)

میکنند (و آنهارا به راه باطل می‌کشاند) و در این میان تنها کسانی که لطف خدا شامل حالشان شده از این مهلکه نجات می‌یابند.^۳

راه نجات

درست است که اختلاف افکار مردم امری است طبیعی^۴ هرگز نباید انتظار داشت که همه افراد بشر یکسان بیاندهند و مسلمین هیچگونه اختلاف فکری و سلیقه‌ای نداشته باشند بلکه منظور این است با معیاریکه برای آنان از "قرآن و عترت" قرار داده باید اختلافات آنان به حداقل کاهش یابد و در موارد اختلاف بکمک قرآن و عترت تفاهم نمایند.

اسلام برای آنکه مسلمین را از فرقه‌گرایی رسوا بر حذر دارد به آنان خاطر نشان می‌کند که چنین فرقه و دسته‌بندی موجب خواهد شد که آنان برب پرتگاهی از آتش قرار داشته^۵ و فرقه‌های زمان بر آنان مسلط شده جان و مال و فرزندان و ناموشان را مورد تجاوز و وسیله اجرای مقاصد شوم و اهریمنانه خود قرار بدهند^۶ اسلام برای کاهش این اختلافات، تعبد و تقلید را نیز در امور اعتقادی و همچنین هواپرستی و خودخواهی را در زندگی شدیداً محکوم می‌کند^۷ و به عالمان آگاه دستور می‌دهد که مواظب مرز مملکت عقیده مسلمین بوده چنانچه

گرچه علاوه بر دو عامل فوق چنانکه در بحثهای آینده خواهیم دید دستهای اهریمنانه سیاستهای استعماری و مقاصد شوم اقلیت‌های فرصت‌طلب و خرابکار را نباید در پیدایش فرقه‌ها و مذاهب نادیده گرفت.

بسیاری از زمامداران و استعمارگران برای آنکه از اصل "اختلاف بیان‌داز و حکومت کن" استفاده نمایند برخی از افراد ساده لوح و باسودجو را آلت قرار داده مذاهب و فرقه‌هایی را بنیان می‌نهند و همچنین اقلیت‌های فرصت‌طلب برای آنکه از راه ایجاد فرقه ضربه به یکبار اسلام وارد کنند و یا از راه غیر مستقیم، مبادی مذهبی خود را به نام دیگران ترویج نمایند دست اندر کار فرقه‌سازی شده و مذاهبی را بوجود می‌آورند. لیکن پس از تجزیه و تحلیل، عامل اصلی همان دو عامل یاد شده یعنی "عدم شناخت واقعیت و خودخواهی و هواپرستی می‌باشد زیرا کسی که آلت قرار گرفته و مذهبی را بنیان می‌نهد یا واقعیت را نشناخته دست به چنین کاری می‌زند و یا شناخته ولی منافع او ایجاب می‌کند که برخلاف

۳- نهب البلاغه خطبه ۵۰
 ۴- وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَ لَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ (هود ۱۱۸)
 ۵- وَ كُنْتُمْ عَلَيَّ سَفَا حَقْرَةً مِنَ النَّارِ فَانقَذَكُمْ مِنْهَا (آل عمران ۱۰۳)
 ۶- قصص آیه ۴
 ۷- وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ (ص ۲۶)

در جامعه اسلامی در این راه تلاش می کرده‌اند و در عصر ما نیز کوششهای سیدجمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، اقبال لاهوری و همچنین فعالیت خستگی‌ناپذیر بنیان‌گذاران "جماعه التقرب بین المذاهب الاسلامیه" در قاهره فراموش نشدنی است.

این جمعیت که با همکاری گروهی از نخبه‌ترین زعمای فکری فرق مختلف اسلامی از قبیل "شیخ مصطفی عبدالرزاق، شیخ عبدالمجید سلیم، سیدشرف‌الدین عاملی، شیخ حسین کاشف‌الغطاء، شیخ محمود شلتوت، مرحوم آیه‌الله‌العظمی حاج آقا حسین بروجردی، شیخ محمدتقی قمی، محمدعلی علویه، محمدمدنی، محمدعبدالله، محمد و... در قاهره تشکیل گردید، قدمهای مثبتی در راه نزدیک کردن مذاهب مختلف اسلامی به یکدیگر و از بیس‌بردن دشمنیها و کینه‌توزیهای مذهبی برداشته که مهمترین آنها فتوای تاریخی شیخ شلتوت رئیس اسبق "جامع الازهر" در مورد به رسمیت شناختن مذهب شیعه و اجازه دادن تدریس این مذهب همانند چهار مذهب فقهی دیگر اهل سنت در دانشگاه الازهر مصر است.^{۱۱}

اهریمنی خواست به آن تجاوز کند با منطق و استدلال از آن جلوگیری کنند^۸ و همچنین بهمه خیراندیشان هشدار می‌دهد که بالاخره مومنان و کسانیکه به مبادی اعتقادی اسلام پای‌بندند، باهم برادرند و چنانچه میانشان اختلافی پدید آید وظیفه آنهاست که اصلاحشان دهند^۹

بنابراین در صورت وقوع تفرقه در میان مسلمین وظیفه دانشمندان و عالمان آگاه است که اگر می‌توانند عوامل تفرقه را از بین برده وحدت کلمه را به جامعه اسلامی برگردانند و گرنه کوشش کنند با تفهیم این حقیقت که همه شما امت اسلامی هستید خدای شما "الله" است، برنامه زندگی شما قرآن است، قبله شما کعبه است، پیامبر و پیشوای شما محمد (ص) است، هدف شما جلب رضا و رحمت خدا و جهان ابدی است و همه شما باید یکدیگر برابر و برادرید و باید همه نیروهای تان را صرف پیشرفت اسلام و مبارزه با دشمنان مشترک نمائید و... کینه‌توزی و دشمنیهای فرقه‌ای را از بین برده روح برادری و صمیمیت را جایگزین آن سازند و گرنه باید بدانند که پیامبر بزرگوار اسلام از آنها به‌زار خواهد بود.^{۱۰}

روی همین اصل بود که همواره مصلحانی

۸- إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظَهِّرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ وَالْأَعْلَمِي لِعَنَةِ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالتَّارِسِ أَخْمَعِينَ (سُفِينَةُ الْبِحَارِ ج ۱ ص ۳۶)

۹- إِنَّمَا الْيُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخْوَانِكُمْ (حجرات آیه ۱۰) بَرُوهُمُ إِلَى اللَّهِ يَنْبِئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (انعام ۱۵۹)

۱۰- در این باره به کتاب "دعوة التقرب" مقاله محمدالمدنی و شیخ شلتوت ص ۳-۱۴ مراجعه شود.